کاندیدای اکادمیسین سیستانی ۲۰۰۸/۰۷/۱۱م

آئین میترا (مهر، خورشید) در سیستان و کابل و تکریم جشن مهرگان در عهد غزنویان

مدخل:

برای پیدایش دین نمیتوان به طورقطع ویقین دوره خاصی را معین کرد. هردوره از تمدن بشردارای دینی متناسب به محیط جغرافیائی واجتماعی خود بوده است ،و لازمه شناسائی خدا وآگاهی به معتقدات دینی هردوره از حیات بشر، شناخت خود انسان وجامعه ای ایست که به آن خدا معتقد بوده اند. از زمانی که انسان به تشکیل واحد های مسکونی پرداخت،ووسایل تولید ورفاه خود رافراهم کرد، وارد زندگی اجتماعی گردید و از این دوره از زندگی بشراست که دین درذهن بشرمتولد میشود ونیروهای فوق قدرت بشرنقش خود را درشکل گیری باورهای ذهنی اوبرجای میگذارند. وحشت، ترس واحتیاج، عاملین اولیه پیدایش دین اند . بشرازآنچه نمی شناخته ،هراس داشته و وحشت، باعث ایجاد احترام وستایش آن شیئی ناشناخته میشده است.

بشراز اولین مراحل زندگی، با عوامل طبیعت برخوردمیکند، به طلوع وغروب آفتاب ،شب وروز، سرما وگرما، رعد و برق ،باران وباد وطوفان وبیماری ومرگ می اندیشد ودرصدد یافتن راهی برای حفاظت خود در برابر خشم عوامل طبیعت برمی آید. او میخواهد منبع ومنشاء هریک از این پدیده ها را کشف وبا آنها ارتباط برقرارنماید. ونظرمساعدهریک از عوامل را به خود جلب کند، تادر مواقع لزوم ودربرابر حمله سایرعوامل از او حمایت ومحافظت کند. پویائی بیحد بشر،تفکرو کنجکاوی درکشف علل بروزحوادث، به منظور برآوردن احتیاجات مادی واقتصادی در وهله اول،وحفاظت او در برابر عوامل طبیعی از قبیل سرما وگرما،گرسنگی وبیماری ومرگ، درمرحله بعدی، اورا به راهی سوق میدهد که منتهی به آفرینش خدایان میگردد. بشرخلاق وسازنده، همانگونه که برای رفع نیازمندیهای خود به اختراع وتکمیل وسایل کار وتولید ابزارمی پرداخت،در باب مذهب نیز از ادامه تفکرات بازنمی ایستد وفعالیت مغزی خود را، علیرغم فقرعلمی، همچنان گسترش میدهد و دامنه تخیلات ومیدان افسانه سازی خود را آنقدر بالا می برد تاجائی میرسد که چون کرم ابریشم،در درون پیلهٔ افکار ومعتقداتی که خود تنیده بود، گرفتارمیشود، وابداعات وافسانه های اختراعی اش، ارباب وفرمانروائی ذهن او میشوند.

اعتقاد به وجود روح و تاثیرارواح برحیات بازماندگان، موجب پیدایش طبقه جدیدی دراجتماع قبیله میشود. طبقه ای که مدعی بودند که میتوانند با ارواح ارتباط برقرارنمایند وآنان را تحت اختیار خود در آورند. بیماران وکسانی که از ناراحتی های روانی رنج می بردند، به تصوراین که ارواح خبیثه در وجود آنان لانه کرده اند، برای معالجه به این طبقه از افراد قبیله مراجعه میکردند. دراثراعتمادی که اکثریت افراد قبیله به جادوگران، شمن ها وساحران،پیدا کرده بودند، دستورات آنان را بدون چون وچرا اجرا میکردند. همین دستورات واعمال ساحران وجادوگران پایه وریشه اعتقادات اولیه دینی بشر را تشکیل دادند.

روحانیون قبایل که بعدها به نام های برهمن وکشیش وموبد وآخوند والقاب گوناگون دیگر در ادیان ومذاهب پیدا شدند،مدعی بوده واستند که راه دسترسی به خدا واجابت درخواست بندگان دراختیار وانحصارآنان می باشد ومی توانند با تقدیم قربانی وهدایا وبا ذکر اوراد ودعاهای خاص، توجه خدایان را جلب نمایند،تابندگان را مشمول عنایت والطاف خود قراردهند. تقدیم قربانی به خدایان برای پاک کردن گناهان با خون قربانی، توسط ساحران وجادوگران ،یکی ازمراسمی بود که دربین اقوام هندوها، یونانیها، رومیها ویهود مرسوم بوده، وحتی امروز یکی از واجبات دین اسلام، را تشکیل میدهد.

باید نوجه داشت که آنچه اساس هردینی را تشکیل میدهد،اعتقاد به وجود نوعی خدا ویا خدایان است وآنچه هردینی را ازسایر ادیان متمایز میکند، نوع خدا ویا خدایان موردپرستش ومیزان قدرت وصفاتی است که مؤمنین ومعتقدین به آن خدا برای معبود خود قایلند. به وجود آمدن هرخدا ومیزان اقتدار او نیز رابطه مستقیمی با نظام تولیدی وویژگی های محیط وشیوه زندگی انسان هایی داشته که درآن محیط زندگی می کرده اند. چنانچه خدایانی که انسان در دوره شبانی آفریده وپرستش کرده، باخدایان دوره کشاورزی از هرحیث متفاوتند. بطور کلی پیروان همه ادیان معتقد اند که خدای موردپرستش آنان واجد قدرت مرموز مافوق قدرت بشری است. پرستش آن خدا، موجب خوشحالی ورضائیت خاطرخدا وبالنتیجه سعادت فرد خواهد بود و برعکس نافرمانی از اوامراو، غضب وعتاب الهی وبدبختی بشر را به دنبال خواهد آورد. (۱)

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید
maqalat@afghan-german.de

پرستش میترا، مهریا خورشید:

درمقاله ایکه قبلاً پیرامون زرتشت وکیش زرتشتی ارایه کردم، توضیح شده بود که آئین زرتشتی ، آئین یکتا پرستی وحمایت از راستی ونیک اندیشی ونیکو کاری ومبارزه با دروغ واهریمن وفساد است.زرتشت با این هدف برضدخدایان طبیعیون برخاست ودراین راه تا آنجا مبارزه نمود که سرانجام جانش را دراین راه فدا کرد.

طبیعی است که درپهلوی انجام آئین زرتشتی، برخی از مردم هنوزدل از پرستش عناصر طبیعت برنداشته بودند،و نیایش وستایش از آن عناصررا بجا می آوردند. یکی از این عناصر طبیعی که درحیات انسان وحیوان ونبات همواره تاثیر قابل لمس داشته ودارد، میترا یا مهریاخورشید است که از ازمنه باستان مورد توجه وستایش بسیاری ازجوامع بوده است. در جامعه آریائی نیز این عنصر قبل از مهاجرت بسوی ایران وافغانستان وهند وپیش ازراوج ادیان زرتشتی وبودائی، وهندوئی ، مورد پرستش بوده وحتی تاچند قرن پس از اسلام نیز درسیستان وکابل و لوگر وموُلتان، عبادت میشده است.

قبل ازاینکه به سراغ اوستا برویم ویا نظریات دانشمندان را درزمینه میترا یاخورشید پرستی بخوانیم، میخواهم تأملی داشته باشم بریکی دو مورد از تاریخ سیستان، که از اعتقاد مردم سیستان وبخصوص خانواده زال ورستم درعصر زرتشت وپس از آن به آئین مهرپرستی پرده برمیدارد. اینست متن تاریخ سیستان راجع به آئین قدیم مردم سیستان:

« گرشاسپ ونبیرگان او تا فرامرزبن رستم همه برآن طریقت بودند که آدم علیه سلام آورده بود،بامداد وبوقت زوال آفتاب(نیمروز). شبانگاه(غروب آفتاب) نمازکردندی وپرستش ایزدتعالی ودیگربه همه اوقات که بشغل دنیائی اندک وبسیارخواستندی شد،پیشترنماز کردندی،پس از آن بدان شغل رفتندی وزنا ولواط ودزدی وخون ناحق میان شان حرام بود ومردار نخوردندی، تا ذبیحت نکردندی آنچه حلالست اکنون خوردن آن نخوردندی، وصدقه بسیار دادندی وهمیشه میزبان بودندی ومهمان را نیکوداشتندی واین همه از جمله فرایض داشتندی برخویشتن، دختر وخواهر ومادر را بزنی نکردندی، وپیکار که میان رستم واسفندیار افتاد سبب آن بود که چون زرتشت بیرون آمد ودین مزدیسنان آورد، رستم آنرا منکرشد ونپذیرفت وبدان سبب از پادشاه گشتاسپ سرکشید وهرگز ملازمت تخت او نکرد....»(۲)

با تاملی دراین روایت وگزاردن نماز در اوقات طلوع خورشید وظهروغروب که بیانگر اجرای مناسک آئین مهرو باورهای کهن مردم سیستان در دوران زرتشت وقبل ازآن است، میتوان به وضاحت سنت خورشید(آفتاب) پرستی را مشاهده کرد. چنانکه جنگ رستم با اسفندیارنیز به دلیل اختلاف مذهب وعدم پذیرش آئین زرتشت صورت پذیرفته است. گردیزی نیز برآنست که چون اسفندیار به سیستان رفت،رستم او رانماز برد، اسفندیار گفت:

« مرا فرمان شاه چنانست که یا دین زرتشتی بپذیری ویا با من جنگ کنی ویا دست دهی تا ترا بندکنم وپیش شاه برم.... رستم گفت : دین زرتشتی نپذیرم که ازروزگار کیومرث تا بدین غایت این دین داشتم. اکنون دین دیگری نگیرم، اما دست به بند دادن هم واجب نکند که دشمنان ایران زمین را من و پدرمن و جدمن به بند آورده ایم. زشت باشد چون من مردی دست ببندد. وحرب کردن هم با تو روا نباشد، [چون] توپسرشاه گشتاسپی و از دوده کیانی...»(۳)

فردوسی در داستان حمله ارجاسپ تورانی بربلخ دلیلی می آورد مبنی براینکه کی گشتاسپ برای پخش کیش زرتشتی به سیستان رفته بود ومدت دوسال درآنجا ماندگارشد. ارجاسپ تورانی با استفاده از غیابت طولانی کی گشتاسپ بربلخ حمله کرد و روحانیون و آتشکده ها ومعابد زرتشتی را از میان برد وکی گشتاسپ از این واقعه توسط زنش کتایون که خود را از بلخ بسواری اسپ به سیستان رسانده بود، آگاه شد، زیرا:

برآمد بسی روزگـــاران بـروی — که خسرو سوی سیستان کردروی
که آنجا کـند **زنـد واُسـتـا** روا — کـنـــد مـوبـــدان را بـدان بر گوا
چـو آنجا رسید آن گرانمایه شاه — پـــذیـره شـــدش پـهـلوان سـپاه
شه نیمروز آنکـه رستمـش نام — سـوار جـهـانـدیده همـتـای نـام
ابـاپـیـردسـتان که بـودش پـدر — ابـا مـهـــتـران وگـــزیـــنـان در
بـزابلـــش بردند مهمـان خویش — هـمـــه بـنـده وار ایـــستـادند پیش
از او **زنـد واُسـتـا** بـیـاموختـنـد — نشـستند وآتش بر افروختند(۴)

ار این روایت شاهنامه معلوم میشود که، رستم وپدرش زال، ازکی گشتاسپ پذیرائی کرده اند و آئین زرتشتی رانیز فراگرفته اند. مگر از داستان جنگ رستم با اسفندیار برمی آید که رستم آئین زرتشتی را نپذیرفته بود و اگر پدیرفته می بود،حتماً شاه گشتاسپ را درحمله انتقام جویانه برارجاسپ تورانی همراهی میکرد، وچون درآن جنگ شرکت نکرد، این امر سبب خشم کی گشتاسپ نسبت به رستم شد که پس ازگرفتن انتقام از ارجاسپ تورانی و رهائی دخترانش از اسارت وی ، پسرخود اسفندیار رابه جنگ رستم میفرستد که یا دین زرتشتی را پذیرد ویا او را دست

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید
maqalat@afghan-german.de

بسته به حضورش حاضرنماید،ولی اسفندیاردر نتیجه جنگ به دست رستم کشته میشود، وپسرش بهمن که دست پرورده رستم بود، به کین پدرخود، خاندان زال را از سیستان برمی افگند واولاده رستم را اسیرکرده به بلخ می برد.
با رویکار آمدن بهمن برسریرسلطنت در بلخ یا باختر، تاریخ ایران از مرحله حماسی وارد مرحله تاریخی خود میگردد.
به هرروی، پس ازحمله اسکندرمقدونی برایران وبه آتش سپردن قصرسلطنتی که گفته میشود کتاب اوستا که بروی ده هزارپوست گاونوشته شده بود و درکتابخان سلطنتی نگهداری میشد، نیز دراین آتش سوزی سوخت. با از هم پاشیدگی امپراطوری هخامنشی درمبانی دینی ایرانیان نیز تغییراتی رونما گردید و آنچه بنام دین زرتشتی تبلیغ میشد، شباهت مختصری با بخشی ازآئین زرتشتی داشت. خرافات ومعتقدات ادیان دیگر، به ویژه معتقدات قدیم آریائی ها، درقالب دین زرتشت به مردم عرضه میشد.
در هنگام تدوین دوباره **اوستا**،درعهداردشیربابکان موسس سلسله ساسانی(۲۴۱-۲۲۶م)(۵) برخی از مغها وکاهنان ادیان پیشین، درلباس موبدان زرتشتی، به انتشار عقاید کهنه خود پرداختند. قوای طبیعت که درگاتاهای زرتشت پدیده های طبیعی بودند، مورد ستایش وپرستش قرارگرفتند. تقدیم قربانی های فروان، پرستش ایزدها ونوشیدن مسکرات، رونق گرفت. بدین سان آئین زرتشی و اندیشه های یکتا پستی دچار انحرافات وتغییرات بسیاری شد.الهه های متعددی با قدرت ونیروی ماوراء الطبیعة ، دراطراف **اهورامزدا** پدیدار شدند. صفات عالبه ایکه زرتشت به نام معنویات الهی تعلیم میداد،پروبالی گرفتند وصورت فرشتگان همکاراهورا مزدا در آمدند. فرشتگان دیگری بنام **"ایزدان"** در دین جدید ظهور نمودند. هرعنصر خوب وسود رسان و زیبائی، جزو ایزدان محسوب شد. خدایان باستانی آریائیان به آئین زرتشت واردشدند و مورد ستایش قرارگرفتند. ایزدان ، همانند خدایان هندوها،درانتظار تقدیم قربانی از طرف نیازمندان وتعظیم وتکریم آنان نشستند. جلب رضائیت ایزدان، فقط با تقدیم رشوه به دلالان و واسطه ها یعنی موبدان وروحانیون میسرمیگردد. نیایش بدون حضور موبد و کاهن مورد قبول خدایان قرار نمیگیرد. در کتب مقدس زرتشتی نام بسیاری از ایزدان ذکر شده که، یکی از مهمترین ایزدان، مهریا میترا(خورشید) خدای نور و روشنائی است.
اوستا از مهربه نام خدای مقتدر و جنگ آورنام می برد که به اورمزد، برای غلبه براهریمن، کمک میکند.(۶)
مغان وموبدان زرتشتی که هنوزبا ادیان باستانی آریائی روابط پنهانی داشتند، پرستش میترا یا خورشید را جزئی از کیش زرتشت قلمداد کردند و در اوستا داخل ساختند ویکی از یشتهای اوستا را به میترا یامهربنام "مهریشت"اختصاص دادند.
بنابر"مهریشت" **مهر**،رب النوع پیمان، دارندۀ چراگاه های وسیع، نگهبان وحامی ویاری دهنده درست کاران وراست پنداران است.رب النوعی است که هزاران گوش وهزاران چشم دارد وهیچ چیزی از نظر تیزبینش پنهان نمی ماند. چشم روز ومظهر خورشید بی زوال است. مهرنرم دل وصمیمی نسبت به نیکان وبی رحم وسخت دل برای شریران وبدکاران است. پرستندگان ونیایش گرانش راغرقه در برکت ولطف خود مینماید. کشت وزرع واحشام ومحصول شانرا زیادگی می بخشد و باران حیات بخش را بیدریغ برزمین های شان فرومی ریزد.(۷)
مهر(آفتاب)، خداوند حقیقت وراستی است. زیراروشنائی علامت ونشانه حقیقت است وبه همین جهت است که آفتاب در اوستا چشم اهورامزدا نامیده شده واو همه جا را بوسیله این چشم دیده بانی ونظارت میکند وآنچه راست ویادروغ باشد درک مینماید. مهر خدای روشنائی است ونگهابانی حققت وعدالت در اوستا به عهده وی گذاشته شده است.(۸)
پس ازتماس رومیها با ایرانیها، افکارمذهبی زرتشتیان به روم سرایت نمود. میترا (خورشید) پرستی مقام ارجمندی دربین رومیها وتمام اروپا پیدا کرد. در روم **معبد میترا** برپاشد که تاقرن پنجم همچنان پرشکوه باقی بود. معابد میترا، بسیار کوچک و به نحوی ساخته میشد که مشابه معابد اولیه بشر در درون غارها باشد. ازسقف مدور این معابد، آسمان دیده میشد و دراطراف معابد جای برای نشستن میتراپرستان درنظرگرفته شده بود. مقابل راه ورودی، نقش برجسته میترا، معمولاً بروی سنگ گردی قرارداده میشد. موضوع نقش، تقریباً درتمام معابد یکسان ومیترا درحال قربانی گاوبود، طوری که زانوی چپ میترا، برپشت گاو،وپای راست، برروی سم راست گاو قرارداشت. میترا با دست چپ، با تمام قدرت سرگاو را به بالا میکشید و با دست راست دشنه را دربدن گاو فرو می برد. سگی درحال جهیدن به طرف خونی که از گلوی گاوجاری بود، نقش میشد. جشن تولد میترا،درتمام امپراطوری روم،در روز ۲۵ دسامبر هرسال برپا میشد. بعد از قبول مسیحیت از طرف کنستانتین امپرطوری روم به عنوان دین رسمی ،میتراپرستی نیزبه تدریج از خاظره ها محوشد، ولی روز۲۵ دسامبر، یعنی روزجشن تولد میترا، به حیث روزتولد عیسی پذیرفته شد وهنوزهم درکلیه کشورهای کاتولیک وپروتستان، این مراسم با تشریفات خاصی برگزار میگردد.(۹)
برعکس تصورروميها که، میترا را درسیمای یک هیکل پرقدرت درحال قربانی کردن گاو تجسم میکردند، در هنرگندهارا، میترا در سیمای یک زن زیبای سواربرگردونه ای که آن را چهار اسپ بالدار بسوی آسمان میکشد،

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید
maqalat@afghan-german.de

تصویر کرده اند. دانشمندان باستان شناسی در نیمه دوم قرن بیستم در دامنه کوه خیرخانه(خُرخانه- خورخانه) درکابل ، موفق به کشف مجسمه مرمرین ربة النوع سوریا (خورشید) شدند. ربة النوع سوریا بشکل یک زن سوار برگردونه خورشید درحالی که گردونهٔ اورا چهاراسپ بالدار بسوی آسمان میکشند، دیده مي شد. (۱۰)
دردههٔ هشتاد قرن بیستم نیزدر دامنهٔ های جنوبی کوتل خیرخانه، افسران قطعات نظامی شوروی مستقر درآنجا به کشف مجسمه سنگی دیگری از ربة النوع خورشید دست یافتند که آنرا به موزیم ملی کابل تسلیم دادند وخبرآن در همان زمان از رادیو وتلویزیون کابل پخش شد، مگرمتاسفانه که این مجسمه ها با سایر آثار هنری انتیک در دوره حکومت مجاهدین برکابل از موزیم ملی افغانستان بسرقت برده شدند .
محقق دانشمند دانمارکی کریستن سن مینویسد: شاپوردوم ساسانی(۳۰۹- ۳۷۹م) به "سیمون" قول داد که اورا نکشد بشرط آنکه آفتاب را ستایش کند.ویزدگرد دوم به این عبارت سوگند میخورد:" **قسم به آفتاب، خدای بزرگ که از پرتوخویش جهان را منور واز حرارتش جمیع کاینات راگرم کرده است.**»(۱۱) مستشرق مذکور می افزاید که، در نقش اردشیردوم طاق بستان که اهورا مزداحلقه سلطنت به پادشاه اعطا میکند، درپشت سرشاه مهر(میترا) ایستاده است و از انوار اشعه ایکه برگردسرش هاله بسته، شناخته میشود. یک مهرساسانی هم درموزه برلن محفوظ است که دریک قسمت روی آن اسم صاحب مهربخط پهلوی نقر شده است ونام او "هوم مهر" است ودرقسمت دیگر هیکل نیم تنه میترا را با تاجی نورانی نقش کرده و ارابهٔ آفتاب را دو اسپ بالدار میکشند، طرح ریخته است. درنقوش قدیم یونانی ارابه آفتاب را معمولاً چهاراسپ میکشند، لاکن درنقشی که برمهر مزبورهست وهمچنین درپارچه ایکه درموزه " سنکان تنر" بروکسل دیده میشود آن ارابه را دو اسپ میکشد ومعلوم میشود که درعهد ساسانیان عوض چهاراسپ، دو اسپ را متداول کرده بودند.(۱۲)
هیکل رب النوع خورشید، که از معبد سوریا واقع کوتل خیرخانه(خُرخانه) کشف شده و تا اوایل ۱۹۹۲ درموزه کابل نگهداری میشد،نیز توسط دواسپ کشیده میشود. واما جالب ترین تصویری که دریکی ازنقاشی های دیواری بامیان در رواق بودای ۳۵ متری متعلق به عهدکوشان ویفتلی کشف شده، رب النوع خورشید یا آفتاب را (بدوطرف آن ربة النوع بادجلب توجه میکند) ملبس به البسه ساسانی وسوار بالای گاری ایکه چهاراسپ سفید بالدار آنرا کش میکنند، نشان میدهد. در عقب رب النوع خورشید نقش یک تابه بزرگ دندانه دار که سمبول آفتاب است دیده میشود وآن از طرز نقاشی ساسانی که الهامات هنر یونانی را منعکس میسازد، حکایت میکند. تا کنون این نوع نقاشی ساسانی به جز درنقش "دختر انوشیروان" درجای دیگری دیده نشده بود. تابهٔ زرین دندانه دارمنحیث سمبول خورشید اصولاً از موضوعات هنری یونانی بوده که اکثراً درهنرهای پارتی ظاهرشده است واین موضوع هنری نسبت به پخش هنر پارتی آن در بامیان بسیار طراحی شده است.
طرح نقش رب النوع سوریا(خورشید)طوریکه درهنرگندهارا ومتهورا، نمونه های آن دیده شده، با نقاشی حالیه،بعضی نقاط مشترک مانند: دقت به نشان دادن روبروی یا ارابه ایکه توئسط اسپها درحال پرش اند، دارد. تاثیرات هنریونانی درعصر کوشانیهای کیداری دربامیان نفوذ کرد وکوشانیان بزرگ عنعنه یونانی را به کیداریها به میراث گذاشتند. دراواسط قرن سوم میلادی باظهور ونفوذ ساسانیان درغرب کشور که مقدمه یی بود برای سقوط کوشانیان بزرگ، پرستش میترا(خورشید) دربین مردم ارج ورونقی پیدا کرد ونقاشی های هنری رواق بودای۳۵ متری تحت تاثیرقوی هنر ساسانی صورت گرفت.(۱۳)
بگفته مرحوم کهزاد، مدققین به این نظراند که در دوران کوشانیان بزرگ و یفتلی ها که دین بودائی درنیمه شرقی درشمال وجنوب هندوکش تسلط کامل داشت، سیستان بازهم یکی ازمراکز مهم آئین زرتشتی بشمار میرفت ویکی از فروعات عمده کیش زرتشتی در دوران عروج ساسانی میترا(آفتاب) بود که بیشتر درسیستان عبادت و ستایش میشد واز آنجا آهسته آهسته بطرف شرق از طریق وادی رودبار، زمینداور وزابلستان ودرهٔ رودکابل جانب هند پیشرفته وراهش را تا اقصای شرق نیزبازنموده است.
مرحوم کهزاد یادآورمیشود که پروفسورهاکن درکتاب "تحقیقات باستان شناسی کوتل خیرخانه" که در۱۹۳۶ درپاریس بطبع رسیده وموضوع مطالعه آن"معبد سوریا" رب النوع آفتاب درکوتل خیرخانه میباشد، متذکرشده که پرستش خورشید وآنش که بقایای آئین زرتشت میباشد، از مدتها قبل در سیستان شیوع یافته وآهسته آهسته بطرف هند پیشرفته است و زایر چینائی "هیوان تسنگ" دراوایل قرن هفتم میلادی معابد مجلل این مذهب را درقنوج ومولتان دیده بود. از روی "بهاویشاپورانه" معلوم میشود که مذهب آفتاب پرستی در"ساکادوپیا" (سیستان) بیشترروا ج داشته وبعضی از موبدان آن بنام های"بهوجگه" و"ماگه" اسم برده شده اند.(۱۴)
کهزاد می افزاید که از قرن چهارم میلادی به بعد این مذهب در سیستان وزابلستان وزمینداور وکابل معابد وپیروانی برای خود داشته است که آنها را برهمن های آفتاب پرست میتوان نامید. این ادعا را مسکوکاتی از عهدکوشان ویفتلی قرن ۶- ۷میلادی تائید میکند. این مسکوکات را داکترهانریش جونکرآلمانی مطالعه کرده ودر روی آنها پیکره نیم تنه

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید
maqalat@afghan-german.de

رب النوع خورشید رادر حالی که شعله آتش از پشت سرآن زبانه میکشید نقش شده ودر بعضی دیگرنام محلاتی مثل: داور(زمین داور)،رودبار(هیرمندسفلی)،زابلستان،سگاوند(لوگر)خوانده میشود واین صریح ترین وواثق ترین شهادتی میتواندبه حساب آید که پرستش آفتاب را درافغانستان جنوب غربی یعنی سیستان وزابلستان تا کابل حکم میکند. (۱۵)
علاوه برشهادت مسکوکات، تذکرات منابع عربی وفارسی هم معلوماتی در دست میگذارد که در نیمروز وزمینداور برای نیایش این آئین معابد وبتکده هایی وجود داشته است. بلاذری میگوید: عبدارحمن بن سمره سرلشکر سپاه عرب،درسال ۳۳ هجری(۶۵۳م) در زمینداوراز **معبد جبل الزور** مجسمه ای طلائی با چشمانی ار یاقوت سرخ بدست آورد وآنرا خورد ساخت.(۱۶) که بدون شک این مجسمه رب النوع آفتاب ومنسوب به کیش خورشیدپرستی بوده است.
در زمینداورامروز هم یکی از روستاهای موسی قلعه به نام **"ده زور"** معروف است ومعلوم میشود که این ده به سبب نزدیکی با **"بتکده زور"** به این نام مسمی شده است.
ظاهراً تا سال ۵۱هجری در ناحیه گرمسیر هیرمند معابدی برای خورشید پرستی نیز سراغ داده میشود. هنگامی که زرتشتیان سیستان علیه اقدامات تخریب کارانهٔ حکمران عربی عبید بن زیاد صدای اعتراض شان را بلند کردند وحکمران مجبورشد دوباره از شام هدایت بگیرد،" جواب آمد که نبایدکه ایشان معاهدند، و آن معبد جای ایشانست و ایشان میگویند که ما خدای پرستیم و این آتشخانه را که داریم و خُرشید(خورشید) را که داریم نه بدان داریم که گوییم این را پرستیم، اما بجایگاه آن داریم که شما محراب دارید و خانه مکه، چون برین حال باشد واجب نکند [برکندن] چیزیکه دیرینه گردد.»(۱۷) زیراکه همه معاهد اند وچون معابد زرتشتی وخورشیدپرستی همانند معابدنصارا ویهود است،پس نبایدمیان معبدجای ایشان فرق گذاشت ،یعنی که اگرمعابد یهودی ونصارا را تخریب نمیکنیم، معابد زرتشتی را نیز نباید ویران نمود.

پوهاند حبیبی از قول مسعودی مینویسد که: درسال ۲۸۳هجری عمرولیث در بلاد **بست و زمینداور** بتی از روی (صفر) بدست آورد. این بت مجسمهٔ زنی بود دارای چهار دست که دو دست آن از برونز طلائی وگردن بندی مرصح با جواهر سرخ و سپید داشت. عمرو آنرا درجمله بت های کوچک دیگری که بر روی آنها زیور وجواهرکار شده بودبه دارالخلافه فرستاد.(۱۸) بدون شک این مجسمه ها نیزمتعلق به **ربة النوع زور، زون، سون،سول،میترا(خورشید) بوده** اند.وبه نظرمیرسد که تا پایان قرن سوم هجری، آئین خورشید پرستی پیروانی دربخش شرق سیستان تا کابل برای خود داشته است.

بوسورت،محقق صاحب نظرانگلیسی، مدعی است که بنابرگزارش زایربودایی هسوان- تانگ(دراوایل قرن هفتم میلادی)، لقب زنبیل "شون- تا" بوده است.مارکوارت تلفظ باستانی **"شون- تا"** را بصورت **"زون داذ"** توضیح کرده است. وی این کلمه را واژهٔ مرکبی میداند که دربخش اول آن نام خدا(**زون**) آمده است وریشه آن به«**زُن داتبر**»(**زوُن داددهنده**)**یا**«**زُن داذ**»(**زُون داده**) درفارسی میانه میرسد.درموردنخست- بخش **داتبر**- احتمالاً درنام جغرافیایی زمینداور، **زمین- داتبر**(زمین داددهنده) بازتاب یافته است. به باور بوسورت،زنبیلها زمستان را در گرمسیرالرخج(قندهار) قشلاق میکردند و ییلاق تابستانی آنها بلندیهای سردسیر زابلستان بود، اما مرکز دینی وفرهنگی پادشاهی در زمینداور قرارداشت. پرستش ایزد **زون= سون یا زور**(خورشید) که هیوان تسنگ با شیفتگی وتفصیل ازآن توصیف کرده است، بریکی از تپه های این ناحیه صورت میگرفت. بوسورت علاوه میکند:درگزارشی دربارهٔ فتوح یعقوب لیث که دوقرن پس از حمله عبدالرحمن بن سمره برزمینداور روی داد از پرستشگاه **زون** یاد میشود که برسرکوهی نهاده بود. دراینجا شاه را"خدا" میخواندند و برتخت زرینی که دوازده نفرآن راحمل میکردند، ازیکجا به جای دیگری میرفت. بوسورت میگوید: **هیوان تسانگ** توضیح میدهدکه **زون** درجایگاه مقدسی جانشین ایزدی کهن گردید. ومارکوارت عقیده داشت که پرستش **زون** احتمالا به پرستشگاه کهن بنیاد**"خور- خدای آدیتا"** درملتان پیوند داشت. (۱۹)

بوسورت در پیوست کتاب "سیستان" خود ازقول پروفسور**توچی** باستان شناس معروف ایتالیائی میگوید: امکان پیوند میان ایزد **زون** و ایزدهندی **شیوا**، قابل بحث است، بنابگفته جهان گردان چینائی، میان پرستش **سونا وشیوا** پاره ای همانندی های مهم بچشم میخورد. پروفیسر توچی نتیجه میگیرد که :« **هیچ چیزی پای این باورما را سست نمیکند که زون(یا زونا)= سون(یاسونا) برگرفته از شکل شیوا یا انطباق دادن شیوا با ایزدی محلی است که ازهند به کاپیسی (شمال کابل)آورده شده و سپس به جاگوند(=جاغوری، در غرب غزنی)انتقال یافته است.**» (۲۰)

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید
maqalat@afghan-german.de

HINDU-SHAHI MARBLE STELE OF DURGA - Afghanistan ^th Century
برگرفته از سایت "www. *AfghanHindu.com*"

بگفتهٔ غبار،هیوان تسانگ زایرچینایی که درسال ششم هجری(اوایل قرن هفتم میلادی) از افغانستان عبور کرده، درکاپیسا(شمال کابل) ازمعبد **"سونا"**(= سون، سور، زور= آفتاب) سخن میگوید که روحانیون پیرو آئین **سونا** با بدنهای نیمه برهنه وخاکستر مالیده ، زنار های از استخوان جمجمه در دست داشتند. (۲۱)
باید توجه داشت که در زبان های هند واروپائی، **خورشید** به نامهای « **سون، زون، زور، سور و سول**» نامیده میشود. بنابرین **بت زور** (**یا سور**)مجسمهٔ میترایاربة النوع خورشید بوده است. واین امر بیانگر این واقعیت است که دین میترایی (آفتاب پرستی) دراین مرزها درکنارسایر ادیان(بودایی ، شیوایی و زرتشتی) برای خود معابد وپیروانی داشته است.

جشن شب یلدا وجشن مهرگان، بازتابی از آئین مهرپرستی:

ایرانیان تاهنوز شب یلدا را جشن میگیرند. شب یلدا، طولانی ترین شب سال یا آخرین شب پائیز است . بنابر معتقدات زرتشتیان، شب یلدا شب تولد خورشید، یعنی شب پیروزی نور بر تاریکی و ظلمت است . زرتشتیان این شب را با افروختن شمع و آتش و خوردن انار و هندوانه و چهار مغز و هسته زردآلو و گفتن حکایات دلپذیر و شوخی های با مزه جشن میگیرند و به شادمانی وخوشی می پردازند و معتقد اند که خوردن این میوه ها بیماری را از تن شان تا بهار آینده بدور میدارد. این رسم نیز از بقای آئین خورشید پرستی است که به رنگ وصبغه خاص تاکنون در میان ایرانیان بجا آورده میشود. ایرانیان قدیم روز فردای شب یلدا یعنی اول «دی» را نیز جشن میگرفتند و آن را «**خرم روز**» می نامیدند .
وامازرتشتیان درشانزدهمین روز مهرماه که «مهرگان» نامیده میشود، **جشن مهرگان** را با تشریفات خاصی تجلیل میکنند. بدون تردید این جشن ها از بقایای آئین مهرپرستی در میان آریائیان بوده که بعد در دیانت زرتشتی چنانکه شرح یافت جا داده شده است. با آگاهی های که در باره میترا پرستی ارائه شد، میتوانیم بپذیریم که جشن مهرگان ، برآیند جشن های پراکنده ای است که گاه و بیگاه از سوی میترا پرستان (مهرپرستان) برگزار میشده است .
دکتر جمشید پروانه پژوهشگرایرانی، معتقد است که: مهرگان جشن خجسته وبسیار قدیمی پیش از دوره زرتشتی بوده، معنای اصلی آن روشنی، دوستی وپیمان وشادی است، نیاکان ما آنرا پیوسته انتظار میکشیده اند. میترائیان پیش از همه به شستشوی بیرون و درون اقامتگاه خودآغاز مینمودند. همه تن خویش وپوشاک خویش وخانه خویش راتمیز کرده ودلشان را ازبدی ها وزشتکاریها پاک میکردند. آنان کینه و عداوت نسبت به همسایه واشخاص را از خود دورساخته آشتی میکردند وبا شادمانی فرارسیدن جشن مهرگان را انتظار میکشیدند.ادبیات قدیمی گواهی میدهدکه بیشتر مردم درجشن مهرگان پوشاک ارغوانی دربرمیکردند، و بر همدیگر گلاب مي پاشیدند.
این محقق درباره سفره مهرگان نکات جالبی بیان میکند و ازجمله میگوید: سفره مهرگان با پارچه ای سفید وپاک آماده میگردد. روی آن پارچه گردسرخ رنگ یا ارغوانی پهن میشود. دربین این پارچه، نشان خاص مهر را میگذارند. این نشان عبارت است ازگل پا نقش گلی که دوازده برگ دارد وخورشید را تداعی میکند. برگردآن گل ، دوازده شمع روشن میکنند.علاوتاً به یاد شش یارهستی یعنی امشاسپندان شش تاشمعدان روشن را نیزبرسفره میگذارند. افزون براینهاهفت نوع میوه نیز بر سفره چیده میشود، چون: نیشکر، انگورسفید، لیمو، نارنج ، سیب و انار. سه گلدان از درخت سرو(درخت ویژه مهریان که همیشه سبز وزیباست) برروی پارچه سفید میگذارند. سه سبزه یا سه شاخه گیاه مورد (پودینه) یا سدرهم سفره مهرگان را زینت میبخشد. شش گلدان باگلهای زردآفتاب گردان

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید
maqalat@afghan-german.de

ازملحقات این سفره است. بجز آئینه ، تخم مرغ رنگ شده ، جام پرآب با ماهی سرخ و هفت گونه شیرینی مکمل سفره جشن مهرگان میباشد.البته چنین جشنی را بدون ساز وموسیقی نمیتوان رونق بخشید، پس ساز وآواز و رقص و پایکوبی با این جشن همراه میگردد و مهریان به همدیگر میگویند: «**همایون بادبرتوجشن مهرگان**»(۲۲)
ابوریحان بیرونی در مورد جشن مهرگان مینویسد: « گویندمهر، که اسم خورشید است ، در چنین روزی ظاهرشد، به این مناسبت این روز بدو منسوب کرده اند. پادشاهان در این جشن تاجی بشکل خورشید که در آن دایره ای مانند چرخ نصب بود به سر میگذاشتند. و گویند در این روز فریدون بر بیوراسب، که ضحاک خوانندش، دست یافت. چون در چنین روزی فرشتگان از آسمان به یاری فریدون فرود آمدند. به یاد آن روز، در جشن مهرگان ، در سرای پادشاهان مرد دلیری می گماشتند که، بامدادان به آواز بلند، ندا در می داد: ای فرشتگان ! بسوی دنیا بشتابید و جهان را از گزند اهریمنان برهانید! وازاین جهت دراین روز جشن گرفتند. گویند خداوند در این روز زمین را بگسترانید، ودر اجساد، روان بدمانید. و دراین روز کره ماه، که تا آن وقت گوی تاریکی بود، از خورشید روشنائی و نور کسب نمود. از سلمان فارسی نقل شده است که او گفت: ما در زمان ساسانیان قایل بودیم، از آنکه خداوند، یاقوت را در روز نو روز ازبرای زینت مردمان بیافرید و زبرجد را در روز مهرجان ، و این دو روز را بر سایر ایام سال فضیلت داد، چنانکه یاقوت و زبرجد را بر سایر جواهرات. در آخرین روز این جشن، که بیست و یکم ماه باشد، فریدون، ضحاک را درکوه دماوند به زندان انداخت و خلایق را ازگزند او برهانید. لاجرم در این روز عید گرفتند، و افریدون مردم را امرکردکه کستی به میان بندند و واج زمزمه کنند و در هنگام خوردن و آشامیدن لب ازسخن فرو بندند. چون مدت استیلای ضحاک هزارسال طول کشید و ایرانیان خود مشاهده کردند که عمرانسان این همه طولانی گردد، از این روزبه بعد دعای خیر شان، در حق یک دیگرچنین بود:هزارسال بزی ! زردشت فرمودکه، آغاز و انجام جشن مهرجان در عظمت و شرافت مساوی است، پس هردو روز را عید بگیرید. از این پس هرمزبن شاپور در تمام روزهای مهرجان جشن بر پاداشت .... بعد پادشاهان و مردمان ایرانشهر از آغازمهرجان تا مدت سی روز، مانند نوروز عید میگرفتند. و هر پنج روز را به یک طبقه از شاهزادگان و موبدان و بزرگان و بازرگانان و رزمیان و دهقانان و اهل حرفه و صنایع مخصوص نمودند.» (۲۳)
این روایت، اگر از داستان اصلی پیدایش مهرگان بدورهم باشد، بازهم در برگیرنده دانستنی های یک دانشمند عهد سلطنت غزنویان در سده پنجم هجری از جشن مهرگان است و لابد که در زمان ابوریحان روایات زرتشتیان در مورد برگزاری جشن مهرگان همین ها بوده اند .

تکریم جشن مهرگان درعهدغزنویان:

شرح برگزاری جشن مهرگان درتاریخ بیهقی چندین جای آمده است.دراین روایات متوجه میشویم که رسوم وآئین های این جشن، چون نشاط کردن وسرور وشادمانی کردن وشراب خوردن وموسیقی شنیدن واهدای هدایا وتهنیت گفتن وعرضه کردن قصاید ستایش آمیز همراه باصله بخشیدنها به شعرا همراه بوده است.
بیهقی ضمن شرح حوادث سال ۴۲۷ مینویسد: "روزبیست وچهارم ذی القعده، مهرگان بود. امیر رضی الله عنه [امیر مسعود] به جشن مهرگان بنشست. نخست درصفهٔ سرای نو درپیشگاه، وهنوز تخت زرین وتاج ومجلس خانه راست نشده بود که آن زرگران درقلعت راست میکردند وپس از این به روزگار دراز راست شد وآن را روزی دیگراست چنانکه نبشته آید بجای خویش. وخداوندزادگان واولیا وحشم پیش آمدند ونثارها بکردند وبازگشتند وهمگان را درآن صفه بزرگ که برچپ و راست سرای است به مراتب بنشاندند، وهدیه ها آوردن گرفتند از آن والی چغانیان وبا کالیجار والی گرگان ... پس امیر برخاست وبه سرایچهٔ خاصه رفت ..... وبزرگان دولت به مجلس حاضرآمدند وندیمان نیز بنشستند ودست به کارکردند وخوردنی عنی طریق الاستلات(تا تهٔ ظرف خوردن)می خوردند وشراب روان شد به بسیارقدح ها وبلبله ها وساتگین ها- ومطربان زدن گرفتند وروزی بود چنانکه چنین پادشاه پیش گیرد- ووزیرشراب نخوردی. یک دو دور شراب بگشت، او بازگشت وامیرتا نزدیک نماز پیشین ببود چندانکه ندیمان بیرونی بازگشتند.... "(۲۴)
ونیز درجای دیگرگوید:"... به جشن مهرگان نشست واز آفاق مملکت هدیه ها درساخته بودند پیشکش را،در آن وقت بیاوردند، اولیا وحشم نیزبسیار چیز آوردند وشعرا شعر خواندند وصلت یافتند، که این خدوندشعر میخواست وبرآن صلتهی شگرف میفرمود...وپس ازشعر بسر نشاط وشراب رفت وروزی خرم بپایان آمد."(۲۵)
بیهقی درجای دیگر مینویسد:"و روزدوشنبه، دو روزمانده از ماه رمضان امیربه جشن مهرگان بنشست وچندان نثارها وهدیه ها وطرف وستورآورده بودند که از حد واندازه بگذشت. وسوری صاحب دیوان بی نهایت چیزی فرستاده بود نزدیک وکیل درش تا پیش اورد. هم چنان وکلاء بزرگان اطراف، چون خوارزم شاه التونتاش وامیر چغانیان وامیر گرگان ومازندران ووُلات قصدارومکران ودیگران بسیارچیز اوردند وروزی با نام بگذشت."(۲۶)

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید
maqalat@afghan-german.de

به هرحال سبب هاوزمینه های جشن مهرگان درادبیات گوناگون بگونه های متفاوت بیان شده ، برخی آنرا جشن پیروزی فریدون برضحاک ماردوش این نماد ظلم واستبداد میدانندوبعضی آنراجشن جمع آوری حاصلات کشاورزی وعده یی آن را جشن آغاز فصل زمستان بزرگ وگروهی عقیده دارند که جشن مهرگان ، جشن خورشید ، جشن دوستی ، پیوند وپیمان است.
درادبیات عهدسامانی وغزنوی ازجشن مهرگان به نام جشن خسروان یادشده و چنان مینماید که شاهان و سلاطین خراسان آنرا درموقعش هرچه پرشکوه تر برگزارمینموده اند. رودکی گوید :

ملکا جشن مهـــــرگان آمد　　جشن شاهان وخسروان آمد

شعرای دربارغزنه نیز از این جشن یادکرده اند واز جمله منوچهری در مدح سلطان مسعودغزنوی گوید:

آمدخجسته مهرگان جشن بزرگ خسروان　　نارنج و نار و ارغوان آورد از هرنـاحیه

فرخی سیستانی ، درتوصیف حسنک میکال وزیرمعروف سلطان محمودقصیده ای دارد که با مهرگان شروع شده وبا نام جشن مهرگان پایان یافته است، و معلوم میشودکه مهرگان درآن سال با ماه رمضان مصادف شده بود :

مهرگان امسال شغل روزه دارد پیـــش در　　خواجه از آتش پرستی توبه داد او را مگر
روز او فرخنده باد و روزه اش پذرفتــه باد　　وین خجسته مهرگان از روزها فرخنده تر (۲۷)

و مسعود سعد سلمان به این معنی اشارتی روشن دارد :

روز مهر و ماه مهروجشن فرخ مهرگان
مهـر بفزا ای نگـار مهر چهر مـهربان

پایان

****

مآخذ ورویکردها:

۱- الف،ب :وانسان خدا را آفرید، صفحات ۲- ۱۲
۲-تاریخ سیستان، ص ۳۳
۳- زین الاخبارگردیزی، تحشیه وتصحیح حبیبی، ص ۹- ۱۲
۴- شاهنامه فردوسی،چاپ امیرکبیر، ص ۳۰۴- ۳۰۵
۵- در روزگارپادشاهی بلاش اول(۵۱- ۷۸م)شاه اشکانی، تلاشی برای جمع آوری وتدوین اوستا صورت گرفت، مگر در دوران ساسانیان کار جمع آوری اوستا سامان گرفت و دراین راه اردشیربابکان، موسس سلسله ساسانی(۲۴۱-۲۲۶م) به "تنسر" **موبدان موبد** روزگار خویش فرمان داد که اوستا را از روی حافظه گرد آوری کند واو این کار را باکمک گروهی از روحانیان وخبره گان سامان بخشید. ودر روزگارشاپوردوم(۳۱۰- ۳۷۹م) گزارشی بربخش های نا مفهوم اوستا(که **زند** گفته میشود) نوشته شد. دراواخرعصر ساسانی، یعنی دراواخر سده ششم یا هفتم میلادی خط اوستائی(دین دبیره) برای نگارش اوستا اختراع وتمام بخش های این کتاب نوشته شد.(جلیل دوستا خواه، اوستا،،ص پانزده پیشگفتار)
۶- الف/ب، ص ۷۲
۷- رک :مهریشت، فقرات۹۵ تا ۱۰۳ ،۱۰۷ وغیره
۸- دکترموسی جوان،تاریخ اجتماعی ایران باستان، ص۴۴۸
۹- الف، ب،...وانسان خدا را آفرید، ص ۵۵
۱۰- کهزاد،تاریخ افغانستان ج ۲ ص۵۷۵
۱۱- کریستن سن،ایران در زمان ساسانیان،ترجمه رشید یاسمی، ص ۹۰ - ۹۱
۱۲- همان اثر،ص ۹۱- ۱۰۵

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید
maqalat@afghan-german.de

۱۳- مطالب مربوط به نقاشی رواق بودای ۳۵ متری بامیان را مرحوم احمدعلی معتمدی باستان شناس کشور دراختیارم گذاشتند که از ایشان متشکرویادشان را گرامی میخواهم.
۱۴- تاریخ افغانستان، ج۲، ص ۵۷۶
۱۵- اریانا افغانستان،ص ۴۰۰
۱۶-فتوح البلدان بلاذری،متن عربی، ص ۴۰۱، ترجمه فارسی فتوح البلدان، طبع تهران، ص ۲۶۷
۱۷- تاریخ سیستان، ص ۹۳
۱۸- پوهاندعبدالحی حبیبی،افغانستان بعد از اسلام ص ۲۷۱ ، مسعودی، مروج الذهب، ترجمه فارسی ج ۲، ص ۶۳۲
۱۹- بوسورت، سیستان، ص ۸۰ ، ۸۱،فتوح البلدان،ترجمهٔ فارسی، ص۲۷۱
۲۰-بوسورت، سیستان، ص ۲۵۷
۲۱- غبار، افغانستان درمسیرتاریخ، ج۱، ص۶۶
۲۲- مجله پژوهش های ایرانی، شماره ۱، ص ۸۹ ، ۹۰
۲۳ - مراسم مذهبی واداب زرتشتیان ،ص ۲۳۴،نوشته موبد اردشیر آذرگشسب ، چاپ انتشارات فروهر ۱۳۷۲
۲۴- تاریخ بیهقی، چاپ دکترفیاض، ۱۳۵۰، ص۶۵۵
۲۵- تاریخ بیهقی ، ص ۶۹۷
۲۶- تاریخ بیهقی، ص ۳۵۹
۲۷- دیوان حیکیم فرخی سیستانی ، چاپ دبیرسیاقی ،تهران، ۱۳۳۷، ص۱۲۳

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید
maqalat@afghan-german.de